

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

سیاسی	Political
-------	-----------

عبد اللطیف صدیقی لندری

کانادا – ۱۳ نومبر ۲۰۰۹

در عقب میز کمپیوتر نشسته و در پورتال گرامی و مبارز "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"، مقالات و مضامین دوست عزیزم، جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی، را از نظر میگذشتاندم و خصوصاً در جست و جو و پالیدن مضامین سالهای قبل ایشان بودم. به شعر میهنی شان برخوردم که "خطاب به وطن – من و تو" عنوان شده است. این شعر را که طی آن یادی از وطن و غم وطن نموده و با احساس و سوز و گداز یاد نموده بودند، با دقت مطالعه نمودم که در لابلای آن وطن مجروح خود را ترسیم نموده اند. سروده جنابشان با آن محتوای سوزناک و نابی که دارد، باعث و انگیزه سرودن ارتجالی شعر ذیل گردید، ولو که در بحر دیگر. از جنابشان صمیمانه تمنا میکنم، که آن پارچه زیبا را یکبار دیگر و توأم با این شعر من، در پورتال انداخته و به خوانندگان عزیز رؤیت بدهند. امیدوارم که خوانندگان نیز از آن همان لذتی را ببرند، که من برده ام.

## رنج بی پایان

استقبال از نشیده "من و تو"

سروده جناب "معروفی"

میهن من ، مامنم، ای اشک خون افشان من  
ای چراغ زندگی ای مشعل رخشان من  
الفتت موج بینم در دل و قلب حزین  
شش جهت غم میدم ، بر پیکر بی جان من  
بیکس و آواره و بیچاره ام، دور از وطن  
لرزش. جانم ببین و این دل نالان من  
خون چکد از دیده ام بالا کنم دست نیاز  
تو کرم فرما خدا! بر رنج بی پایان من  
سر نهم بر آستانت، اشک حسرت در بغل  
ای دوی درد جان ، وی مایه درمان من  
شعر جانسوزم ببین و سینه پرسوز را

می شنو اسرار عشق از خامه لرزان من  
فارغ از یاد تو، آتش می زند اندر دلم  
ای تتم صدره فدایت ، گوهر غلتان من  
میکنم قربان تو بود و نبود و جان خود  
مست باشم در هوایت ، ساقی مستان من  
سینه پسر درد و آه سرد و چشم تر نگر  
میرسان ما را بمنزل، حضرت سلطان من  
سوختم در آتش هجران و در شبهای تار  
روز و شب در آتشم، ای شام بی پایان من  
ای گل نورسته ام، ای باغ و ای گلدسته ام  
من بلبل شوریده ام ، کس نشنود افغان من  
ارمغان دیگـــــری نبود که تقدیمت کنم  
ارمغان عشق باشد ، سینه سوزان من  
کو کسی تا باز پرسد حالت زارم "لطیف"؟  
جز خدای ذوالمنن، آن کعبه احسان من